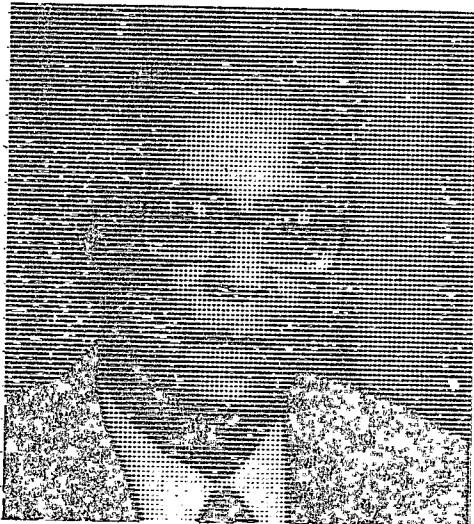


# مشاهیر شرق؛ کتمان غرب

گفتگو با دکتر عبدالنعیم محمد حسنین



استاد دکتر عبدالنعیم محمد حسنین نامی آشنا در عرصه آموزش و تدریس ادبیات پارسی است. از پس از استاد عبدالوهاب عزام مؤثرترین فرد در پایه‌گذاری زبان فارسی در دانشگاههای مصر است.

دکتر حسنین با وجود کسالت شدید به گرمی مرا در منزل خود پذیرفت. آثار بیماری در چهره‌اش هویدا بود و بلورهای عرق خبر از رنجی می‌داد که بی آنکه بر زبان آورد صبورانه متحمل می‌شد. با این حال با حوصله به سوالات پاسخ داد. ضمن آرزوی سلامت برای این استاد ارجمند متن گفتگو از نظر تان می‌گذرد.

**کتابخانه** : شما به عنوان یکی از بنیانگذاران آموزش زبان پارسی در مصر، شخصیتی شناخته شده هستید. طبق روال معمول «کپهان فرهنگی» نخست از زندگی و آثار تان بگوئید.

دکتر عبدالنعیم حسنین: به نام خدا، بنده ۶۹ سال پیش در شهرستان «سیوط»، در جنوب مصر زاده شدم. در سال ۱۳۲۳ ه. ق نیز از دانشکده ادبیات قاهره در رشته زبان عربی و زبانهای شرقی، فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۲۱ به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداختم و اکنون پنجاه سال است که به عنوان دانشجو، استاد و رئیس دانشکده، سرگرم کار هستم. من نخستین دانشجوی مصری دوره دکتری ادبیات فارسی در «دانشگاه تهران» بوده‌ام (یعنی در سال ۱۹۴۸ میلادی) و از آن پس، «ایران» را وطن دوم خود می‌دانم.

در این پنجاه سال، ما به زبان و ادبیات فارسی خیلی اهمیت داده‌ایم. از این رو در دانشگاهها و دانشکده‌های گوناگون، زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و شاگردان و همکاران دانشگاهی ما در این زمینه، فعالیت می‌کنند.

**کتابخانه** : اگر ممکن است برخی از این همکاران را نام ببرید.

دکتر حسنین: در قاهره، دکتر شتا و دکتر سباعی، و در دانشگاه الازهر دکتر نورالدین و بسیاری دیگر - که نامشان را به خاطر ندارم - از شاگردان بنده بودند. در رشته زبان فارسی بیشتر از چهل نفر استاد و دانشیار در مصر هستند که همگی از شاگردان من بوده‌اند. زبان فارسی در مصر رواج بسیار داشته و روابط فرهنگی ما همیشگی بوده است. چنین روابطی، زمانی بهتر می‌شود که ایران در زمینه تبادل استاد و غیره ما را یاری کند.

پیش از قطع روابط سیاسی ما هر سال با دانشجویان سال چهارم و فوق لیسانس و به اتفاق استادان، (طبق توافق نامه‌ای بین دانشگاه تهران و دانشگاههای مصر) به ایران می‌رفتیم. متقابلاً دانشجویان ایران نیز از مصر و الازهر دیدن می‌کردند.

در حدود چهل کتاب درباره زبان و ادبیات فارسی تصنیف، ترجمه، یا تصحیح کرده‌ام. مانند کتاب «راحة الصدور» راوندی و کتابهای سید جمال الدین افسد آبادی، «تاریخ سنجوقیان»، «تاریخ مغول»، «دوره‌های مختلف تاریخ ایران» و همچنین تألیف «دستور زبان فارسی» و مقالاتی به زبان فارسی در مجله «دانش و آموزش و پرورش». مقاله‌هایی هم به زبان عربی نوشته‌ام.

**کتابخانه** : مدرک لیسانس زبان فارسی را در چه زمانی گرفتید؟

دکتر حسنین: در سال ۱۹۴۴ از دانشگاه قاهره. در آن زمان، فقط در دانشگاه قاهره دوره لیسانس زبان فارسی تدریس می‌شد. در «اسکندریه» نیز، شاخه‌ای از همین دوره بود که ما، برای تدریس به آن جا می‌رفتیم. این زبان در اسکندریه، از سال ۱۹۴۷ و در «عین‌الشمس» از سال ۱۹۵۰ به بعد تدریس می‌شد و ما نخستین استادانی بودیم که از قاهره به «عین‌الشمس» منتقل شدیم.

ما در قاهره «عین‌الشمس» استاد معروفی داشتیم به نام دکتر عبدالوهاب عزام. ایشان نخستین کسی بودند که دکترای ادبیات فارسی از لندن گرفته

بودند. پایان‌نامه ایشان هم «شاهنامه فردوسی» بود. مسؤولان، قبلاً کسانی را که مایل به اخذ مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی بودند به لندن و پاریس می‌فرستادند، اما ما اولین کسانی بودیم که برای تکمیل تحصیلات، ما را به تهران فرستادند.

وزیر فرهنگ وقت، دکتر طه حسین، نظیر حکیمانه‌ای داشتند. ایشان معتقد بودند کارشناسان ادبیات شرقی مانند ترکی، فارسی و... را برای گرفتن تخصص باید به همان کشور فرستاد. البته ما را پس از دوره آموزشی دوساله‌ای در مدرسه زبانهای شرقی و آفریقایی لندن در اواخر سال ۱۹۴۸ به تهران فرستادند.

در این مدت، دانشگاه «عین‌الشمس» تأسیس شده بود و به ما گفته شد که اگر بخواهیم، می‌توانیم به دانشگاه «عین‌الشمس» منتقل شویم. این دانشگاه به قولی قدیمی‌ترین دانشگاهی بود که رشته ادبیات فارسی در آنجا تدریس می‌شد.

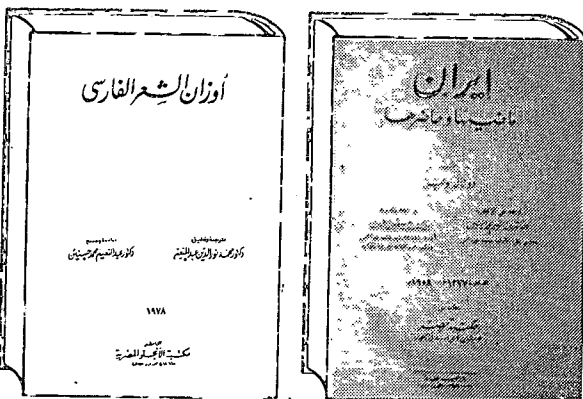
**کتابخانه** : استادان شما در تهران چه کسانی بودند و چه کسانی از لندن تا تهران همراه شما بودند؟

دکتر حسنین: استاد راهنمای من، شادروان سعید نفیسی بود و از محضر برخی از استادان بزرگ نیز، مانند استاد قزوینفر، دکتر قریب، محمد تقی بهار، قزوینی، بهمنیار، خطیبی و مقدم، کسب فیض کرده‌ام.

من هم‌راه آقای دکتر صیاد که از استادان دانشگاه «عین‌الشمس» هستند، به تهران رفتم. در آن زمان، دانشگاه تهران، هم به دانشجویان ایرانی دکترای می‌داد و هم به دانشجویان خارجی، اما محافل علمی اروپا مدرک دکترایی را که به دانشجویان خارجی داده می‌شد به رسمیت نمی‌شناختند. از این رو، ترجیح دادیم از مصر دکترای بگیریم و من نخستین کسی

بودم که دکترای خود را از دانشگاه «عین‌الشمس» گرفتم. اولین مدرک دکترای از «قاهره» را نیز استاد عبدالوهاب عزام گرفته بود.

رساله من در مورد نظامی گنجوی و مثنویهای پنج گنج بود و معتقدم که اگر نظامی اروپایی بود مطمئناً



## حکیم نظامی خینی پیشتر از شکسپیر می‌زیسته و بهتر از او نیز می‌سروده است اما چون شرقی و مسلمان بوده، چندان مشهور نشده است.

شان جهانی به خود می‌گرفت. زیرا نظامی پیش از شکسپیر داستانسرای کرده است.

**کینان** : استاد از نظر شما چرا بزرگان شرق، مثل حافظ و سعدی و یا نظامی گنجوی، به درجه‌اشتهار غربیها نرسیده‌اند؟

دکتر حسنین: دلیل آن روشن است، زیرا سیاست در این مسائل دخالت داشته که ما به آن «عقدۀ الغرب» یا «عقدۀ فرنگی» می‌گوییم. یعنی همان چیزی که ما را در برابر غرب تضعیف و غرب را قویتر می‌کند. در صورتی که می‌دانیم نظامی پیشتر از شکسپیر می‌زیسته و بهتر از او هم می‌سروده است. اما چون شرقی و مسلمان بوده مشهور نشده است.

**کینان** : شما چگونه به زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مند شدید؟

دکتر حسنین: زبان فارسی یک زبان اسلامی است؛ و ایران بدون شک خدمت‌های بزرگی به فرهنگ و تمدن اسلامی کرده است. ایرانیان بزرگی در فلسفه و حدیث و تفسیر و حتی در دستور زبان عربی کوشش‌های بسیار کرده‌اند. پس اگر به فرهنگ اسلامی وفادار هستیم، باید کسانی را که به این فرهنگ خدمت کرده‌اند، بشناسیم. افزون بر این، ادبیات فارسی ویژگی دیگری هم در معنا و هم در شیوه دارد و در واقع یک ادبیات عالی و جهانی است. گرچه تنها آثار خیام به زبانهای اروپایی ترجمه شده است ولی بیشتر شاعران و بزرگان ایران لایق شهرت جهانی هستند.

من می‌دانم هرکسی که در ایران زندگی کرده و با ایرانیان معاشرت داشته این کشور را دوست خواهد داشت. من در هزاره فرودوسی هم گفته‌ام که ایران را وطن دوم خود می‌دانم.

در سال ۱۹۴۲ که دکتر عزام‌زبان و ادبیات فارسی را تدریس می‌کردند و من در سال دوم رشته زبان عربی و زبانهای شرقی تحصیل می‌کردم، ایشان ما را تشویق کردند که زبان فارسی را بیاموزیم. بنده از آن موقع نظامی گنجوی را برای رساله خود انتخاب کردم.

**کینان** : استاد، بدنیت خاطرهای از دوران تحصیل خود در تهران برای خوانندگان ما نقل کنید.

دکتر حسنین: از دوسالی که در تهران بودیم خاطراتی شیرین به یاد دارم. حتی پس از بازگشت هم.

ارتباط ما با دوستان ایرانی و دانشجویان و استادان قطع نشد. ما نیز از بعضی استادان ایرانی دعوت کردیم که به مصر بیایند مثلاً مرحوم سعید نفیسی در سال ۱۹۵۲ به مصر تشریف آوردند و در حدود سه ماه در دانشگاه قاهره تدریس کردند. از استاد بدیع‌الزمان فروزانفر هم دعوت کردیم. که متأسفانه پیش از تشریف آوردن به دیار باقی شتافتند. همچنین از آقای دکتر شهیدی و دکتر محقق. هر سال تقریباً یکی از استادان به مدت دو یا سه ماه به مصر می‌آمدند و دانشگاه هم از این دعوتهای استقبال می‌کرد. من در زمان تحصیل کوشش می‌کردم که از همه نقاط ایران و تمام استانهای ایران مانند مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و... دیدن کنم. البته دانشگاهها در این کار، مرا تشویق کرده و کمکهایی زیادی به من می‌کردند. در طی این بازدیدها به دیدن آقای شهریار رفتم که پس از آن نیز این دیدار ادامه یافت.

با آقای عباس اقبال آشتیانی که مجله «یادگار» را منتشر می‌کردند نیز آشنایی زیادی داشتم. ایشان بعداً مستشار فرهنگی در دمشق شدند. به مصر هم می‌آمدند.

**کینان** : جناب عالی به عنوان بنیانگذار رشته زبان و ادبیات فارسی در مصر چه اقداماتی برای پیشرفت این زبان در سالهای اخیر داشته‌اید؟

دکتر حسنین: در مصر این توانایی بود که برای هر زبان، یک رشته پایه‌گذاری شود. از این رو وقتی دانشگاه ابراهیم پاشا (عین‌الشمس) در مصر تأسیس شد، یکی از استادان، مرحوم دکتر ابراهیم امین شواربی - که نخستین استاد مصری است که درباره حافظ رساله دکترانوشته - پذیرفتند که به «عین‌الشمس» منتقل شوند. به محض انتقال، ایشان پیشنهاد کردند رشته‌ای برای زبانهای شرقی تأسیس شود که پذیرفته شد. قبل از آن هم چند کرسی متعلق به دکتر عزام دکتر خشاب و دکتر ابراهیم شواربی (قبل از انتقال ایشان) وجود داشت. همین آقای دکتر شواربی استاد راهنمای من هم بود.

ما از شصت و شش سال پیش در دانشگاه قاهره کرسی زبان و ادبیات فارسی داشتیم. از پنجاه سال پیش چند کرسی دیگر در قاهره بود (عزّام، خشاب، شواربی) و از چهل و دو سال پیش هم در دانشگاه «عین‌الشمس» چند کرسی داشتیم که بعداً شماری کرسی دیگر به آن افزوده شد. از بیست سال پیش در «الازهر» کرسی اهمیت بیشتری یافته است.

**کینان** : به‌طور کلی رشد کمی و کیفی زبان فارسی در مصر چگونه بوده است؟

دکتر حسنین: پیش از قطع روابط سیاسی بین مصر و ایران، دانشجویان هرساله در «عین‌الشمس» بیش



## غرب اکنون تلاشی می کند فکر و اندیشه اهل شرق را با هر وسیله‌ای تحت تأثیر قرار دهد.

از هزار نفر بودند و این رقم قابل توجهی است، زیرا در زمان روابط سیاسی، متخصصان زبان فارسی در ادارات دولتی (وزارت امور خارجه، اطلاعات، مجلس، رادیو و تلویزیون) بسیار مطرح بودند. اما قطع روابط، از تعداد دانشجویان کاسته است.

**کهنیکان** : شما که عمری را در زمینه آموزش زبان فارسی گذرانده‌اید، شیوه آموزش زبان فارسی را در کشورهای دیگر چگونه می‌بینید؟

دکتر حسنین: اکنون خیلی پیشرفت کرده است. در گذشته، تنها وسیله یادگیری تلقین بود ولی الان نوارها، تلویزیون، ویدئو و مطبوعات در آموزش زبان فارسی بسیار مؤثر است.

**کهنیکان** : چگونه می‌توانیم زبان فارسی را مردمی کنیم؟ به این اعتبار که برای مردم عامه نیز قابل فهم باشد؟

دکتر حسنین: از بیست تا سی سال پیش مرکز صافی ای بوده که هنوز هم هست؛ اما این فعالیتها به تأثیر از سیاست کمتر شده و رئیس این انجمن دکتر



**نورالدین العیلا**، در ترتیب دادن گردهماییها، همايشها، و چاپ رسالات دکتر! کمکهای زیادی کردند، که به علاقه مندان کمک می‌کرد. البته الان نیز به اصطلاح درها باز است.

**کهنیکان** : چه مقدار کتاب از ایران - چه آثار گذشتگان و چه آثار معاصران ایرانی - در زمینه ادبیات و هنر به زبان عربی ترجمه شده است؟

دکتر حسنین: زیاد است. ما در فوق لیسانس کوشش می‌کنیم که از همه دورانه‌ها، رساله‌های گوناگون نوشته شود. از دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، مغول، صفوی، قاجار، پهلوی و حتی از این دوره. از چهل سال پیش در دانشگاهها رساله‌های گوناگون درباره تمدن ایران، تاریخ ایران، ادبیات ایران و شعرای بزرگ ایران نوشته می‌شد.

**کهنیکان** : آیا مردم مصر نیز رغبت و علاقه دارند که این کتابها را بخوانند؟

دکتر حسنین: تصور می‌کنم که این وظیفه انجمنهای ایرانی باشد که آثار ایرانی و داستانهای ایرانی را ترجمه کنند.

شاید هنوز فرصتی نبوده که انجمنی چنین کاری بکند. ولی خوب، بار دیگر پس از قطع روابط این مسائل متوقف شد. حالا درها باز است و فعالیتها چندان نیست. گمان می‌کنم که مردم استقبال خواهند کرد.

**کهنیکان** : در مطبوعات ایران در باره ادبیات و هنر مصر زیاد نوشته می‌شود. رویدادهای مصر نیز برای مردم ایران جاذبه دارد. با توجه به پیشینه فرهنگی و تمدن اصیل این کشور، این علاقه از طرف کشور مصر کمتر دیده شده است.

دکتر حسنین: در این جا نیز به ایران و نویسندگان ایران علاقه‌مند هستند. همه مردم هر چه در مورد ایران در روزنامه نوشته شود می‌خوانند.

**کهنیکان** : مطبوعات مصر چقدر علاقه‌مند هستند که آثار و داستانهای ایرانی معاصر، مانند شعر و قصه و هنر پس از انقلاب را منعکس کنند؟

دکتر حسنین: روزنامه «الاکبار» روزهای دوشنبه، صفحه‌ای در باره ادبیات شرقی و بویژه زبان و ادبیات فارسی دارد. در «الاهرام» نیز گاهی چیزهایی می‌نویسند. من یقین دارم پس از جنگ خلیج فارس مردم به مسائل ایران علاقه بیشتری پیدا کرده‌اند. من همیشه گفته‌ام کار فرهنگی از سیاست جداست. زیرا فکر ما فرهنگی است و همیشه دوام دارد.

**کهنیکان** : در صحبتهایتان به استیلا و غلبه غرب بر افکار شرقی بویژه در زمینه تبلیغات آثار غربی و اشراق این تبلیغات نسبت به آثار شرقی اشاره کردید. به نظر شما چرا ما نسبت به آثار خودمان ناباور هستیم؟

دکتر حسنین: من در نوشته‌هایم همیشه از روش ایران خیلی تعریف کرده‌ام و گفته‌ام که ایران کارهای مهمی در این زمینه کرده و گمان می‌کنم در مصر هم چنین باشد. امروز در بیشتر کشورهای اسلامی ماهیت و هویت غرب روشن شده و امیدواریم که در سالهای آینده بیشتر محقق شود.

**کهنیکان** : استاد، چطور می‌توانیم جوانها را علاقه‌مند کنیم تا به آثار خودشان بیشتر اهمیت بدهند و تبلیغات غرب خیلی بر آنها تأثیر نداشته باشد؟

دکتر حسنین: تبلیغات غرب اکنون خنثی شده است. حالا روش غرب پوشیده نیست. حتی افراد کم سواد، وقتی روزنامه‌ها را می‌خوانند و روش آمریکا را، برای نمونه در عراق و بوسنی هرزگوین می‌بینند به راحتی می‌توانند حقیقت را درک کنند. البته وظیفه استادان، نویسندگان و روشنفکران است که جوانان با استعداد را آگاه کنند.

**کهنیکان** : شما در مورد تمدن مصری و ایرانی هم کاری کرده‌اید؟ در

## بارۀ تمدن مصری و تفاوت آن با تمدن ایران توضیح دهید.

دکتر حسنین: مقاله‌ای نوشته‌ام که در ایران هم چاپ شده است. دربارهٔ تمدن ایران پیش از اسلام و زمانی که کامبیز [گوروش] مصر را فتح کرد و قصد داشت کانالی بین دریای مدیترانه و دریای سرخ (جایی که اکنون کانال سوئز هست) ایجاد کند. یعنی نخستین کسی که می‌خواست کانال را ایجاد کند، کامبیز [گوروش] بوده است. شکی نیست که تمدن مصری از تمدن ایرانی بسیار استفاده و اقتباس کرده چنانکه تمدن ایران نیز از مصر کهن. همانند آن ستونهایی که در «تخت جمشید» می‌بینیم در لکتور (لکتوم) مصر نیز هست. همان ستونهایی که بر فراز آن یک گاونر است و البته این ارتباطی است که پس از اسلام بیشتر شده است.

## کتابخانه: پیشینه تاریخی

ایران و مصر به چه دوره‌ای بازمی‌گردد و این ارتباط پس از اسلام چگونه بوده است؟

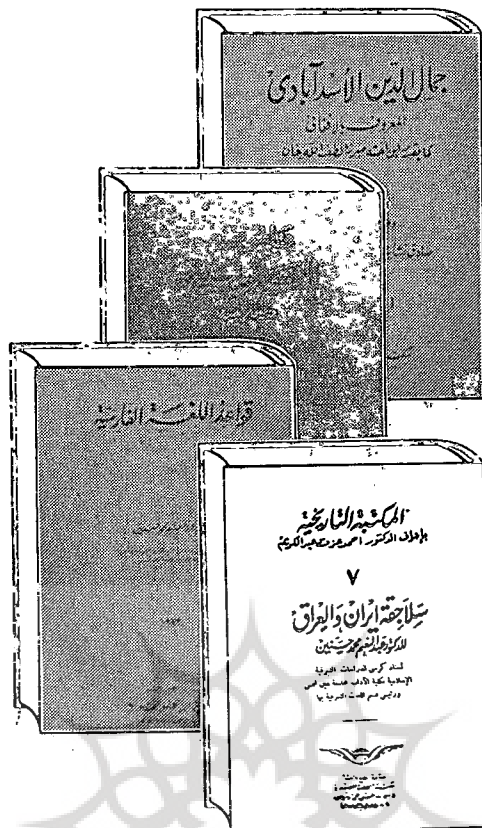
دکتر حسنین: در آن مقاله، همهٔ این مباحث به تفصیل نوشته شده و این ارتباط از دوران کهن تا قرون وسطا و تا امروز مطرح بوده است.

## کتابخانه: امروز غرب تا

اندازه‌های متوجه شده که سلاحهای پیشین خیلی مؤثر نیست و این تبلیغات دیگر اثر گذشته را ندارد و راههای دیگری پیشه خود کرده که در ایران به «تهاجم فرهنگی» موسوم است. در این باره نظر شما چیست؟

دکتر حسنین: ما این را «جنگ فکری» می‌نامیم. یعنی صرفنظر کردن از اشغال نظامی و پرداختن به اشغال فکری که برای نمونه از طریق تلویزیون و غیره انجام می‌شود. در برخی از کشورهای خیلی عقب‌مانده آفریقایی ما می‌بینیم که نان ندارند اما تلویزیون دارند! زیرا تلویزیون وسیله‌ای از وسایل اشغال فکری است.

غرب اکنون کوشش می‌کند که فکر و اندیشهٔ اهل شرق را با هر وسیله‌ای تحت‌تأثیر قرار دهد. خوشبختانه در بسیاری از کشورهای جوانان به حقیقت غرب پی برده‌اند. بنده معتقدم که فعالیتهای غرب خنثی شده و خواهد شد و دیگر کسی این تبلیغات غرب را باور نمی‌کند.



شرح ندارد. ما می‌توانیم - اگر اخلاص داشته باشیم - تبلیغات غرب را خنثی کنیم.

## کتابخانه: پس از انقلاب

توسط امام خمینی (ره) مسأله وحدت و همبستگی بین مسلمانان مطرح شده است. در این خصوص چه نظری دارید؟

دکتر حسنین: این موضوع، یعنی همبستگی اسلامی امروز به واقع مطرح شده است. یعنی امروز در نشریات مصری‌ای که می‌خوانیم، همه جا صحبت از وحدت اسلام است. یعنی مسلمانان در همهٔ کشورهای اسلامی این استعداد را دارند که از همبستگی اسلامی بهره ببرند. پس باید مسؤلان، چه استادان دانشگاه چه ائمه و چه روشنفکران و نویسندگان، دربارهٔ همبستگی اسلامی گفتگو کرده و اهمیت وحدت و همبستگی اسلامی را بیان کنند. مردم نیز این استعداد را دارند که به چنین همبستگی‌ای روی آورند.

## کتابخانه

استاد، دربارهٔ نزدیکی و تقرب بین مذاهب، در ایران مؤسسه‌ای هست که کارش یافتن ریشه‌های مشترک و همگون بین مذاهب اسلامی است. شما در این مورد چه نظری دارید؟

دکتر حسنین: در مصر نیز این نزدیک کردن مذاهب وجود داشت و مجله‌ای به نام «التقريب» هر ماه منتشر می‌شد که البته این مسأله باید در جهان اسلامی رواج پیدا کند یعنی به نوعی از وحدت اسلامی و تقرب بین مذاهب صحبت شود چون ما می‌بینیم که در حقیقت تفاوت چندانى بین مذاهب وجود ندارد. من فقه شیعه را خوانده‌ام و در سخنرانی‌ای که در نجف اشرف داشتم گفتم که فرق زیادی بین مذاهب اسلام نمی‌بینم.

## کتابخانه: موقعیت کنونی

را چگونه می‌بینید؟

دکتر حسنین: من عقیده دارم که امید از صفیتهای مؤمن و یأس و ناامیدی از اوصاف کافران است: پس از سفر به ایران بعد از انقلاب اسلامی و کشورهای دیگر اسلامی، می‌بینم که تعلق و وابستگی جوانان به دسته‌های دینی بیشتر شده است. شک نیست که بخش بزرگی از جوانان، دیندار شده‌اند و این بسیار جای امیدواری دارد.

## کتابخانه: می‌بینیم که

ابزارهای جدید غرب از راه رواج فساد، بی‌ریشه کردن فرهنگها، بی‌مصرف نشان دادن فرهنگ خودی و ترویج اماکن فساد از طریق سینما و غیره جلوه می‌کند. با توجه به اینکه جامعهٔ مصری بافت مذهبی دارد، شما راه حل را در چه می‌دانید؟

دکتر حسنین: وظیفهٔ ما روشنفکران و رهبران دینی و اسلامی این است که کوشش کنیم تا حقیقت اسلام روشن شود. در همایشی که بیست سال پیش با استادان ایرانی، فرانسوی، انگلیسی، آمریکایی و مصری در نجف اشرف به مناسبت تأسیس ساختمان جدید دانشکدهٔ فقه نجف برپا شده بود، از بنده خواستند که سخنرانی کنم. من بدون مقدمه گفتم:

هرکه به اصل اسلام تعلق داشته باشد، هیچ اختلافی بین شیعه و سنی نمی‌بیند، زیرا ما در اصول اسلام - یعنی در یکی بودن خدا، در آخرین پیامبر بودن محمد (ص)، در نماز و رکعت‌های آن و در زکات و... - هیچ اختلافی نداریم. پس چرا باید اختلاف و دوگانگی کنیم؟ و گفتم که باید در برابر تبلیغات غرب ایستاد.

این وظیفهٔ استادان و روشنفکران و ائمه دین است که به این رسالت عمل کنند. حقیقتاً در مصر این مسائل وجود ندارد. هرکه در مصر زندگی کرده احساس می‌کند که مصریها اهل بیت را مثل ایرانیها و یا حتی بیشتر از ایرانیها دوست می‌دارند، این نیازی به